

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۱۱ جون ۲۰۱۹

مقوله جنگ و جنگ طلبان

جنگ ابزار دیگر سیاست نظام سرمایه‌داری است. اهداف آن و خلاف نظر بانیان و منادیان سرمایه، در خدمت به بشریت نیست. مخرب و به عقب راندن سازندگی و پیشرفت‌های جامعه است. در عصر به اصطلاح دموکراسی، جهان همواره نظام‌گر جنگ‌های متعدد و سازمان‌داده شده ای از جانب قدرت‌مداران و سودجویان سرمایه بوده است. کارکردش سد نمودن جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ئی و به دنباله از زمره ممر درآمد کمپانی‌های بزرگ تسلیحاتی است. پی‌ریزی نقشه‌ها، دست‌چین و مسلح کردن دستجات و نیروها، استفاده از ابزار و آلات نظامی مؤید این حقیقت است که نیاز سرمایه، در هر چه گسترده‌تر کردن جنگ‌های ارتجاعی است. قدرت‌مداران، جنگ را یکی پس از دیگری سازمان - داده و - می‌دهند تا فرمول‌بندی طبقه سرمایه‌داری در هم نریزد.

به عبارت صریح‌تر، جنگ در پاسخ‌گویی به بحران سیاسی - اقتصادی نظام سرمایه‌داری است. به گفته بانیان و مجریان آن، متمایز از دیگر جنگ‌هاست؛ بر این نظرند که در یکسوی آن، رژیم‌های دیکتاتور، "ناآرام" و امثالهم قرار گرفته‌اند و سوی دیگر آنرا به اصطلاح مدافعین حقوق انسانی تشکیل می‌دهند!! اگرچه همه طرفین - در نظر و من‌حیث‌المجموع - مخالف جنگ‌اند؛ اما و در عمل، به سرعت، در صدد انجام طرح و نقشه‌های شوم امپریالیستی در درون جامعه‌اند. مشارکت عملی و بی‌وقفه در نظم دادن سیاست‌های امپریالیستی در پهنه جهان و بویژه در منطقه خاورمیانه، نماد سیاست جنگ‌طلبانی است که دهه‌هاست، بر فضای کشورهای هم‌چون عراق، افغانستان و غیره سیطره انداخته است. همه و با تمام وجود، مدافع جنگ‌اند و خیز برداشتن یک‌ایک آنان و بدن‌باله، التماس از قدرت‌مداران بین‌المللی به منظور سرنگونی دولت‌ها و رژیم‌های وابسته‌ای هم‌چون رژیم جمهوری اسلامی، به معنای تعلق و علاقه سیاسی - منفعتی یک‌ایک آنان، با طبقه ظالم و چپاول‌گر است. مفهوم و نابودی جنگ بزعم آنان، نه ریشه‌کن کردن آن، بلکه در همراهی و در همکاری با بخش‌های متفاوت قدرت‌مداران بزرگ و دولت‌های وابسته بدانان است.

به هر حال کم نیستند که این‌روزها دارند، در هم‌سوئی با قدرت‌مداران بزرگ، نقشه به خاک و خون کشاندن میلیون‌ها انسان دردمند و رنج‌دیده را می‌کشند، و دارند با نظریه و به اسم دفاع از حقوق مردم، در برابر رژیم جمهوری اسلامی، برنامه نابودی مردم را پی می‌ریزند. مسابقه خوش‌خدمتی بهتر براه انداخته‌اند و در این بین، جرثومه‌های فساد و جریان‌ات به اصطلاح مردمی‌ای هم‌چون "رضا پهلوی" و "سازمان مجاهدین خلق" هم، منتظر و تشنه حمله امریکا و دیگر هم‌قطاران‌شان به ایران‌اند. مشوق و دوستدار راه‌اندازی جنگ‌های ارتجاعی از نوع خاورمیانه و خلاصه تمامی

جنگ‌های سازمان‌داده شده از جانب دولت‌های بزرگانند. هم‌سو با سرمایه و در تخالف با مردم، به صف شده‌اند و در این‌میان و هر زمان، تنش و جنگ لفظی‌ای بین دولت آمریکا و ایران گرو می‌گیرد، تقلاءهای آنان هم صد چندان می‌شود. به یقین می‌توان گفت که به ابزار و آلات سیاسی دولت‌های امپریالیستی تبدیل گردیده‌اند و خاصیت‌شان، انحراف اذهان عمومی، تطهیر چهره کریه بانیان و مسببین اصلی مصیبت‌های کنونی و بویژه تخطئه جنبش‌های اعتراضی رادیکال مردمی‌ست. پیداست که افکار این عناصر و جریانات را نباید و نمی‌بایست، با افکار مردم و همچنین با خواست‌های جامعه انسانی مرتبط دانست. وابستگی و تعلق‌شان به بالائی‌هاست و از زمره بازیگران سیاسی دولت‌های امپریالیستی و رژیم‌های وابسته بدانان به حساب - آمده و - می‌آیند. ارتباط و مرادوه سیاسی با بالاترین مقامات امریکائی و شرکت جانین بشریت در تجمعات و در کنفرانس‌های سازمان داده شده، از دیگر نمونه‌های بارز خوش‌رقصی عناصر و سازمان‌های به‌اصطلاح مدافع مردمی‌ست. این عناصر و دستجات بی‌ارتباط با جامعه انسانی، می‌خواهند از کانال و از مجرای سیاست‌های جنگ‌طلبانه قدرت‌مداران بین‌المللی، مسیر جامعه و زندگی تلف شده میلیون‌ها انسان دردمند را تغییر دهند! می‌خواهند ریشه جنگ را توسط جنگ‌افروزان اصلی و امپریالیست‌ها بسوزانند! می‌خواهند با برگزاری کنفرانس‌ها، گردهمائی‌های بی‌مایه، و با یاری دولت‌های بزرگ، جامعه را از شر نظام جمهوری اسلامی نجات دهند! بدون این‌که کمترین نزدیکی مفاهیمی و مضامینی با نیازمندی‌های جامعه و همچنین با آرمان‌های پایه‌ای مردم داشته باشند. همه کارشان، ارتباط با این و یا آن سرکرده نظام و دولت‌های امپریالیستی تبدیل شده است. همین چند روز قبل - یعنی در ۲۹ ماه مه ۲۰۱۹ - بود که در فرانکفورت آلمان، تعدادی دیگر از جمله، «اتحاد دموکراتیک آذربایجان - بیرلیک، جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران، حزب تضامن دموکراتیک اهواز، حزب دموکرات کردستان، حزب دموکرات کردستان ایران، حزب کومه‌له کردستان ایران، حزب مردم بلوچستان، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران و کومه‌له زحمتکشان کردستان» و آن‌هم تحت عنوان ائتلاف "همبستگی" گرد هم آمده‌اند تا به نیازها و به اولویت‌های جامعه پاسخ دهند!!

البته ناگفته نماند که دنیای مجازی با این‌دست کنفرانس‌ها و گردهم‌آئی‌ها، غریبه نیست؛ بر ثمره و بر نتایج آن‌ها آشنا و همچنین با عریانی تمام، کارکردهای‌شان بر روی میز جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای قرار دارد. برای این‌که انگیزه عناصر و نیروهای متشکله در کنفرانس‌ها و گردهم‌آئی‌ها، در جواب‌گویی به معضلات و مشکلات جامعه نیست؛ برای این‌که فاقد پائین‌ترین جایگاه اجتماعی در میان میلیون‌ها کارگر و زحمتکش‌اند. با این اوصاف گردهم آمدن‌های‌شانرا هم، باید و می‌بایست به حساب بازارگرمی‌های سیاسی، و بدنباله به حساب دم‌تکان‌دادن‌های‌شان، به قدرت‌مداران بین‌المللی نوشت. به طور نمونه "حزب دموکرات کردستان ایران" «مصطفی هجری»، و "حزب کومه‌له کردستان ایران" «مهدی»، دهه‌هاست که به مردم و به خلق ستم‌دیده گرد پشت کرده‌اند و به ارابه سیاست‌های امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل گردیده‌اند. تماس و دیدار با «مایک پمپئو» وزیر امور خارجه آمریکا و «جان بولتون» مشاور امنیت ملی کاخ سفید، نشان و حکایت از جایگاه و ارتباط سیاسی‌شان با امپریالیست‌ها و بویژه با امپریالیسم آمریکا دارد. جریاناتی که به‌جای تکیه به مردم، در تخالف با خواست‌های و حقوق پایمال شده مردم و بویژه توده‌های ستم‌دیده کردستان ایستاده‌اند و دارند بعنوان بازیگران سیاسی امپریالیست‌ها در کردستان، نقشه‌های شوم جانین بشریت را هموار و هموارتر می‌کنند.

به عبارت دیگر و حقیقتاً، این‌روزها کمتر کسی‌ست که، به ماهیت سران رژیم جمهوری اسلامی توهم و یا شک و تردیدی داشته باشد. محرز شده است که نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان سوپاپ اطمینان سرمایه‌داری توسط امپریالیست‌ها - و در سال ۵۷ - بر سر کار گماره شده است تا جنبش‌های اعتراضی را مهار کند. براستی این نظام بدون

حمایت مالی، سیاسی و تسلیحاتی دولت‌مردان بزرگ، قادر به دوام نبوده و نمی‌باشد. در این چهار دهه، نظام تا آنجائی که در توان داشته است به سرکوب مردم پرداخته و با درنده‌خوئی هر چه تمام‌تر، جنبش‌های اعتراضی و همچنین جنبش مسلحانه خلق گرد را به خاک و خون کشانده است. از نظر توده‌های ستمدیده، بانیان و مسببین اصلی بدبختی‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود درون جامعه، دولت‌های بزرگی همچون دولت امریکاست. افزون بر این‌ها مدت‌های طولانی‌ست که مردم و خلق رزمنده گرد و عملاً با سردمداران رژیم جمهوری اسلامی تصفیه حساب سیاسی کرده‌اند و بر خلاف نظر و اعمال عناصر و جریان‌ها به اصطلاح مردمی، کارگران، زحمت‌کشان و بویژه خلق ستمدیده گرد، هیچ‌گونه هم‌رنگی و یا اشتراک منافع‌ای با قدرت‌مداران بین‌المللی - بر سر برکناری سران نظام جمهوری اسلامی - ندارند. به این سبب که دولت‌های بزرگ و بویژه دولت امریکا، برای محترم شمردن به حقوق بشریت و برای تقسیم ثروت‌های جامعه - و آن‌هم - بین سازندگان اصلی آن زاده نشده‌اند و بنابراین، جنگ آنان، جنگ صدمات و لطمات جانی و مالی بیش از پیش، به دردمندان و قربانیان قدرت‌های امپریالیستی و جامعه است. بنابه هزاران دلیل روشن، عامل وضعیت در هم ریخته جهان و زندگی ناهنجار توده‌های محروم ایران، دولت‌های بزرگ و رژیم‌های مسلح و وابسته بدانان‌اند. پس هرگونه نزدیکی با طرفین تنش‌ها و نزاع‌های لفظی - جنگی، به معنای مخالفت با افکار و اعمال توده‌های دردمند و خلق ستمدیده گرد است. بدون کمترین توهمی، راه و انتخاب کارگران، زحمت‌کشان و دیگر ستمدیدگان، در تقابل با سیاست، با راه و با انتخاب جریان‌ها و دار و دسته‌های وابسته به سرمایه است. بر این اساس جنگشان با سران رژیم جمهوری اسلامی هم، نمی‌تواند جنگ توده‌های محروم و بویژه خلق در بند کردستان به حساب آید. به دروغ دارند قیافه دفاع از آزادی و برسمیت شناختن حقوق میلیون‌ها انسان در بند را می‌گیرند و بدون کمترین درنگی، همه آنان به فرمانبرداران و به پادوهای بی‌اختیار سیاسی سرمایه‌داران، و همچنین از زمره جنگ‌طلبانی به حساب - آمده و - می‌آیند که هدف و نیت‌شان، جز توجه و کسب سهمیه بیشتر از دیگر رقبا، در حکومت و در "دولت آینده" ایران توسط قدرت‌های بزرگ نیست!!

در هر صورت حرف غامض و دور از فهم نیست که خیر برداشتن به سمت بانیان و راه‌اندازان اصلی جنگ‌ها، برابر با خارج شدن از پاسخ‌گوئی به نیازها و خواست‌های میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی است. در حقیقت سهم مردم را نمی‌توان با قدرت‌مدارانی که چهار دهه قبل، با نیت حفظ و پایداری طبقه سرمایه‌داری، و بویژه با هدف تخطئه کامل قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، سران حکومت را به اریکه قدرت نشانده‌اند، گرفت؛ ناممکن است و راه‌شان، راه تکراری عناصر، دستجات، نیروها و دیگر دار و دسته‌های سرمایه در گوشه‌های متفاوت جهان و بویژه منطقه خاورمیانه است. چنین سیاست و روش‌هایی ببرد مردم نخواهد خورد و به‌طور قطع، ورود به بگومگوهای سیاسی و جنگ‌های لفظی و عملی دولت‌های بزرگ با رژیم‌های وابسته و رنگ و ارنگ‌شان، انحراف اذهان عمومی و همچنین وارونه جلوه دادن ماهیت قدرت‌مداران بزرگ امپریالیستی بویژه دولت امریکاست؛ دولت‌ها و قدرت‌هایی که چهار نعل در پی شعله‌ورتر نمودن جنگ‌های ارتجاعی در منطقه خاورمیانه‌اند. با این اوصاف بگومگوهای سیاسی و جنگ آنان، برابر با گفتمان سیاسی، و برابر با جنگ میلیون‌ها انسان در بند و تلف شده نیست. مردم در این‌گونه کش‌مکش‌ها، ذینفع نیستند و بر خلاف قدرت‌مداران بین‌المللی و دیگر گماشتگان سیاسی‌شان، نه تنها جوامع انسانی و مدافعین آزادی و برابری، طالب جنگ نیستند، بلکه با تمام وجود خواهان نابودی جنگ‌های ارتجاعی و خسران‌زا در درون جامعه‌اند. چرا که جنگ طاعون و مرض دردناکی‌ست که مولد آن، حاکمان و سرمایه‌داران‌اند. از اینرو لازم و ضروری‌ست تا در برابر مدافعین چنین تفکر و منشی، صف متضاد با آنانرا تشکیل داد و بر عواقب و بر ثمره‌های

جنگ‌های ارتجاعی و امپریالیستی گوشزد کرد؛ لازم و ضروریست تا در تخالف با سوی‌های متفاوت جنگ‌های ارتجاعی، جنگ با تکیه به مردم را سازمان داد.

خلاصه تنها با انتخاب راه سَوم، و با اتکاء به پتانسیل کارگران، زحمت‌کشان و خلق رزمنده گردد، و بویژه با راه‌اندازی جنگ‌های انقلابیست که می‌توان جامعه را از شر مناسبات و سیستم فرتوت سرمایه‌داری نجات داد. راه و مجال دیگری، جهان ظالم، چپاول‌گر و جنگ‌طلب سرمایه‌داری، در مقابل جهان انسانی و مساوات‌طلب باقی نه‌گذاشته است. این خواست باطنی مردم و یگانه راه رهائی از زیر سلطه نظام‌های غارت‌گر و مبتنی بر سرکوب عنان گسیخته است و بر خلاف نظر و امیال سازمان‌ها و احزابی همچون مجاهدین، دمکرات، کومله و امثالهم، - آن‌هم با استفاده از دم و دستگاه‌ها و بویژه با سازماندهی دشمن -، نمی‌توان دشمنان طبقاتی مردم را به عقب راند. انقلاب نیاز به سازمان، و نیاز به ابزارهای متناسب با انقلاب را دارد؛ نیاز به بُرش انقلابی و مبارزاتی دارد. پس هرگونه مصلحت‌گرایی و بده بستن‌ها، و هرگونه معامله آشکار و پنهانی با قدرت‌مداران بین‌المللی، بر سر برکناری سران رژیم جمهوری اسلامی، خیانت به جامعه انسانی و پشت پا زدن به حقوق دیرینه و پامال شده کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی و بویژه خلق ستم‌دیده گردد است. توطئه، جنگ و جنگ‌طلبی سرمایه‌داران و دار و دسته‌های‌شانرا می‌توان و می‌بایست، با هوشیاری و با درایت کمونیستی - و آن‌هم با پشتوانه جنگ‌های انقلابی - پاسخ داد. جنگ‌های ارتجاعی را قدرت‌مداران جهانی و آن‌هم به‌همراه دار و دسته‌های مرتجع و دولت‌های وابسته‌شان، به جامعه و به مردم تحمیل کرده‌اند و پس، یگانه راه پاسخ‌گویی به آن، انتخاب سیاست تعرضی، و مقابله انقلابی با برنامه، در برابر حکومت‌مداران رژیم جمهوری اسلامی و دیگر حامیان امپریالیستی‌شان می‌باشد.

۹ جون ۲۰۱۹

۱۹ خرداد [جوزا] ۱۳۹۸